

▼ حرف روز امید به ناامید کردن مردم!

چند سال پیش که جرج بوش ایران را محور شرارت خوانده بود و تهاجم رسانه‌ای به ایران به حدی شدت یافته بود که برخی از عناصر سیاسی و رسانه‌ای بوی باروت را در مرزهای ایران استشمام می‌کردند، یکی از خبرنگاران رسانه‌های آمریکا در اسفند ماه همان سال در تهران حضور یافته بود و هنگامی که مردم را در حال خرید لباس و وسایل و حتی چیدمان سفره هفت‌سین دیده بود، با تعجب در گزارشی از مردم ایران آورده بود مردم ایران صدای طبل نظامی آمریکا را نمی‌شنوند و زندگی در تهران بهتر از نیویورک در جریان است. امروز اول اسفند است و بسیاری از خانواده‌ها با دریافت عیدی راهی بازار شده‌اند تا با خریدهای خود به فضای زندگی خود روح تازه‌ای ببخشند. این امید مردم ایران به روزهای بهتر در مجموع مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را بهبود می‌بخشد؛ امید ایرانی‌ها در همه این سال‌هایی که کشور ایران تهدید شده، سبب عقب‌نشینی دشمنان از توطئه‌های‌شان شده است.

اما عده‌ای هم هستند که با عملکرد نادرست خود دانسته یا نادانسته به دشمنان این مملکت خدمت می‌کنند؛ یکی از این پروژه‌ها برای ناامید کردن مردم با دمیدن در شیپور عملیات نظامی دشمن است. برجسته کردن توفیت‌های ترامپ، رئیس‌جمهور تازه‌کار آمریکا در تهاجم به ایران، برای ترساندن و ناامید کردن مردم است؛ آنها می‌خواهند ایام عید مردم ایران را با تهدیدات ترامپ تلخ کنند که البته به دنبال اهداف دیگری در این زمینه هستند. برخی از این عناصر نیز درصددند فعالیت‌های دفاعی دلاورمردان مقتدر کشورمان در زمینه رزمایش‌های نظامی را نوعی حساس‌کننده آمریکا و افزاینده تحریم و تهدید بدانند؛ این در حالی است که همین آمادگی‌ها ضمن افزایش امید مردم، دشمنان ایران اسلامی را مأیوس کرده است.

در چنین شرایطی تیز کردن شمشیر دشمن عواقب خطرناکی به همراه خواهد داشت و سبب سوءاستفاده گروه‌های ضد انقلاب و جریان‌های برانداز می‌شود، لذا باید مانند گذشته بدون توجه به یاوه‌گویی‌های دشمن، کارایی، قدرت و اقتدار نظام اسلامی‌مان را افزایش دهیم.

▼ گزارش روز

دوقطبی‌های دروغین

درست در وسط همان تیرهای درشت و البته پر آب‌وتاب آشتی ملی! به یکباره یکی از چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلبان که هم در ماجراهای سال ۷۸، هم در روزهای پس از انتخابات ۸۸ و هم امروز در استفاده ابزاری از اعتدال و دولت یازدهم و سناریوی آشتی ملی از طراحان و بازیگران کلیدی و مؤثر بوده و هست، در صفحه شخصی خود در توئیتر جمله‌ای می‌نویسد که نه تنها در آن هیچ نشانی از آشتی و وفاق نیست؛ بلکه درست وحدت کشور، امنیت ایران اسلامی و نهادهای انقلابی و پیشرو را هدف قرار داده است.

مصطفی تاجزاده از مسئولان دولت اصلاحات که به جرم حضور فعال در فتنه ۸۸ سابقه زندان را در کارنامه خود دارد، به بهانه مشکلاتی که بحران ریزگردها برای مردم عزیز، شریف و صبور خوزستان به وجود آورده است، می‌نویسد: «وقتی حفظ اسد مهم‌تر از پاسداری از خوزستان است، دیدن چنین وضعی دور از انتظار نیست.» این کلیدواژه شگرد تمام این سال‌های اصلاح‌طلبان بوده است؛ یعنی قرار دادن مردم در برابر مردم (نهادهای انقلابی) تا بیش از پیش مشخص شود که موضوع آشتی ملی تاکتیکی بیش نیست برای تحقق مقاصد تازه!

اما مهم‌تر از آن باید از آقای تاجزاده پرسید که شرایط امروز خوزستان محصول مدیریت چه کسانی و در حوزه اختیارات کدام یک از مسئولان قرار دارد؟ رئیس سازمان محیط زیست کشور امروز کیست و چه سوابقی دارد؟ مگر غیر از این است که تأمین برق و آب و حل موضوعات زیست‌محیطی، از جمله مشکل ریزگردها در حوزه وظایف دولت است؟ در حالی که نیروهای انقلابی و نظامی، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تأمین امنیت و ثبات در کشور و حراست از مرزهای جمهوری اسلامی ایران و حمایت از مظلومان و محور مقاومت در منطقه وظایف خود را به بهترین وجه ممکن به انجام رسانده‌اند، بهتر نیست شما نیز به جای ایجاد دوقطبی‌های دروغین و پوپولیستی به دوستان‌تان در دولت یازدهم یادآوری کنید که آنها هم وظایفی دارند و باید کاری انجام دهند؟

▼ خبر ویژه فتنه‌گری با سوءاستفاده از مشکلات خوزستان

«کبری آسوپار» روزنامه‌نگار نوشت: «حفظ اسد» یا «پاسداری از خوزستان»؛ دوگانه‌ای است که مصطفی تاجزاده، زندانی سیاسی سال ۸۸ در مقابل هم قرار می‌دهد تا به مشکلات کنونی خوزستان واکنش نشان دهد! پاسداری از خوزستان وقتی از سپاه خواسته می‌شود، یعنی تأمین امنیت نظامی که اکنون خوزستان از این منظر امن است و همین نشان می‌دهد، سپاه در عین حضور در سوریه برای دفاع از حرم اهل بیت(ع) و محور مقاومت، از عهده تأمین امنیت کشور هم برآمده است و اصل حضورش در سوریه مغایر با پاسداری از خوزستان و ایران نیست؛ بلکه اتفاقاً در راستای آن است. وی در ادامه آورد: درباره بحث بودجه حضور در سوریه باید گفت، در این سال‌ها که سپاه مشغول جنگ نظامی در سوریه بوده، نه تنها با افزایش بودجه روبه‌رو نشده، بلکه از قضا دولت یازدهم سال به سال بودجه این نهاد را کاهش داده و البته همزمان با این کاهش بودجه، هم ظرفیت و هم روحانی فخر نقش ایران در تأمین امنیت منطقه و به ویژه سوریه را هم در سخنان خود فروخته‌اند. آیا تاجزاده از درک همین مسائل ساده هم عاجز است یا آنکه بغض پاسداران انقلاب اسلامی و بغض نظام او را واداشته است که این طور مبتذل و ظریفه قوه مجریه را از سپاه پاسداران مطالبه کند؟